

آسیب شناسی حجاب در دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور قاین

احمد موحد^۱

زهره عباسی^۲

خدیدجه اعراب شببانی^۳

چکیده

رعایت موازین اسلامی و پوشش مناسب، یکی از مهم ترین دغدغه های کنونی جامعه ماست. این امر درباره دانشجویان که از قشرهای آگاه کشور و الگوی جامعه اند، اهمیت بیشتری می یابد و چه بسا بدحجابی آنان و پیامدهای سوء آن بتواند دانشگاه را از رسالت اصلی خود دور کند. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی عوامل مرتبط با وضعیت حجاب دانشجویان پرداخته است.

یافته های پژوهش که از اطلاعات نمونه ۹۰ نفری دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور قاین (۵۰ نفر با حجاب کامل و ۴۰ نفر بدحجاب) با روش مصاحبه و پرسشنامه به دست آمده است، نشان می دهد بین تحصیلات مادر، تعداد برادر، محل سکونت، آگاهی از احکام و فلسفه حجاب، رفتار مذهبی، تماشای شبکه های ماهواره، مدگرایی، نگرش های سیاسی، باورهای اجتماعی و مدل چادر با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد؛ اما بین تحصیلات پدر، تعداد خواهر، میزان درآمد، وضعیت تأهل، تماشای تلویزیون ایران، استفاده از اینترنت، خودنمایی، اهمیت به جلب توجه دیگران، تفاهم والدین، سخت گیری والدین، وضعیت حجاب مادر، رضایت از مدل های لباس بازار و توان خرید با وضعیت حجاب رابطه ای وجود ندارد.

واژه های کلیدی: وضعیت حجاب، فلسفه حجاب، عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی، عوامل خانوادگی

۱. عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور قاین A.movahed@pnu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانش آموخته جامعه الزهرا (ع) کارشناسی ارشد روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاینات Z.abasi29@gmail.com

۳. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور تهران shakiba-shaibani@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۱۵

مقدمه

از جمله ویژگی‌هایی که موجود انسانی را از سایر موجودات متمایز می‌کند، تمایل غریزی به داشتن پوشش و پرهیز از برهنگی است. این نیاز، جزء تمایلات فطری انسان است که خداوند متعال در وجود بشر قرار داده است. حجاب از یک طرف بین افراد جامعه پیوند ایجاد می‌کند و نمادی از فرهنگ، مناسک و آیین‌ها تلقی می‌شود و از طرف دیگر، ابزار قدرت است که بسیاری از افراد و جوامع اسلامی از آن به شکل مجموعه مرزهایی بین خود و جهان بیرون بهره می‌برند (خدادادی سنگده و احمدی، ۱۳۹۴). حجاب در لغت به معنای پرده و حائلی است که میان دو شیء قرار می‌گیرد و مانع از دیده شدن شیء مقابل می‌شود. حجاب در اصطلاح فقهی، حائلی است که تمام بدن زن به جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ (وجه و کفین) را می‌پوشاند و نیز به گونه‌ای باید باشد که توجه نامحرم را به خود جلب نکرده و جلوه‌گری و خودنمایی در آن نباشد. حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان دو بعد ایجابی (پوشش بدن) و سلبی (حرام بودن خودنمایی) دارد. حجاب در این اندازه یکی از احکام الهی و امری مشترک و ضروری برای همه ادیان ابراهیمی، به ویژه اسلام است و همه معتقدان به دین مقدس اسلام بر ضرورت آن اتفاق نظر دارند (رستگار خالد و همکاران، ۱۳۹۱). پوشیدن لباس‌های تنگ، بدن‌نما، تحریک‌کننده و بدشکل، پوشیده نبودن برخی از مواضع نیازمند پوشش، آرایش نامناسب و نداشتن وقار لازم در اجتماع را می‌توان در مقوله بدحجابی گنجانند. از منظر آسیب‌شناختی، بدحجابی از مصداق‌های انحراف و کج‌روی است. بدحجابی، رفتاری ناسازگار با هنجارها و انتظارات جامعه، خلاف فرهنگ جاری و قانون‌مندی‌ها و انتظارات مطلوب جامعه و باعث تنش‌ها و تضادهایی است که به نگرش‌های سرزنش‌آمیز می‌انجامد و نیز واکنش‌هایی مانند مجازات، طرد و انزوا را به همراه دارد (اخلاقی، ۱۳۹۳). عدم گرایش به حجاب مناسب و منطبق با هنجارهای اسلامی، از مهم‌ترین مسائل امروز جوامع اسلامی است و رعایت موازین اسلامی و پوشش مناسب، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کنونی جامعه ما است. حجاب زنان، زمینه را برای سلامت آن‌ها و جامعه به همراه دارد و از کج‌روی، نابهنجاری و روان‌پریشی در جامعه جلوگیری می‌کند. در واقع، عفاف و حجاب، تضمین‌کننده امنیت و آرامش زنان در تعاملات اجتماعی و ایجادکننده جامعه‌ای سالم و متعادل است (مولایی و یوسف‌وند، ۱۳۹۳).

پژوهش‌های مختلفی به بررسی عوامل بدحجابی پرداخته‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: علوی و حجتی (۱۳۸۶)، در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر بدحجابی دانشجویان دختر دانشگاه

شهید باهنر کرمان پرداخته‌اند. به نظر آن‌ها این عوامل مؤثر عبارت است از: هجوم فرهنگ غرب و تلاش استعمار برای نابودی حجاب؛ اعتقاد به آزادی غلط و ناآگاهی صحیح و معقول؛ اعتقاد به دست و پاگیر بودن حجاب برای کار و تلاش؛ پیروی از هوس‌های نفسانی و خوش‌گذرانی بی‌قید و بند؛ دگرگونی ارزش‌ها (اینکه شخصیت زن به آشکار نمودن زیبایی‌هایش است)؛ پذیرش الگوهای دروغین و تقلید کورکورانه به دلیل جهل و عدم اعتماد به نفس و جایگزینی فرهنگ‌های بیگانه به جای اسلام؛ بی‌محتوایی و عدم استقلال فکری و ضعف تجزیه و تحلیل منطقی و سستی و سهل‌انگاری به دلیل ضعف اراده. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر آن است که وضعیت دینی دانشجویان، علاقه‌مندی به رشته، اهمیت مدگرایی و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی، نگرش‌های سیاسی، اختلاف والدین و وضعیت اعتقادی والدین در بدحجابی دانشجویان مؤثر بوده است؛ اما متغیرهای وضعیت روانی و جسمانی دانشجویان، رشته تحصیلی، تعداد واحدگذرانده، سن، معدل دیپلم، تعداد کل افراد خانواده و وضعیت اقتصادی خانواده بر بدحجابی دانشجویان تأثیر ندارد. بهرام‌زاده و لطفی (۱۳۸۹)، در مطالعه خود با عنوان «نقش حجاب در جامعه و شناسایی علل رواج بدحجابی در بین جوانان، مطالعه موردی در مراکز آموزشی شهر اهواز» بر مبنای پنج متغیر اصلی مؤثر بر بدحجابی در بین جوانان به بررسی و تحلیل موضوع خود پرداخته‌اند. این پنج متغیر عبارت است از: کاهش حساسیت خانواده‌ها در خصوص نوع پوشش فرزندان؛ کاهش آگاهی مردم از مفاهیم حجاب؛ تعریف مفاهیم حجاب در جامعه؛ تلقی حجاب به عنوان محدودیتی در روابط اجتماعی؛ عدم تبلیغ و آموزش مناسب در رسانه‌ها. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که متغیر کاهش حساسیت مردم درباره وضعیت پوشش فرزندان، بیشترین تأثیر را بر بدحجابی دارد. احمدی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهش خود دریافتند که بدحجابی به لحاظ فردی با انواع آسیب‌های روانی، به لحاظ خانوادگی با آشفتگی و تزلزل بنیاد خانواده، به لحاظ اجتماعی با گسترش فساد، کاهش امنیت و افزایش آزار جنسی و به لحاظ دینی با ضعیف شدن اعتقادات و تقیدات دینی همراه است. خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راهکارهای ارتقای آن (مطالعه موردی: شهرگران) پرداختند. یافته‌هایشان نشان می‌دهد که متغیرهای زمینه‌ای، سن، درآمد و صداقت، رابطه معنادار با گرایش به حجاب دارند؛ به طوری که صداقت و سن رابطه مثبت و مصرف رسانه‌ای و درآمد، رابطه منفی دارند و متغیرهای زمینه‌ای اعتقاد، طبقه اجتماعی و تحصیلات، ارتباط معنادار با گرایش به حجاب ندارند.

مهدتا (۲۰۱۰؛ به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تأثیر شگرف رسانه‌های نوین بر روی زنان مسلمان دهلی را در طول سه دهه مؤثر دانسته‌اند. شیرازی و مشیرا (۲۰۱۰؛ به نقل از خوش‌فرو و همکاران، ۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که برای فهم نگاه زنان مسلمان نسبت به حجاب در غرب، باید عوامل سیاسی، اجتماعی و تاریخی یک کشور، ماهیت مهاجرت آن‌ها، ترکیب جمعیت شناختی گروه آن‌ها و چگونگی تفسیرشان از دنیوی شدن و شهروندی را بررسی کرد. در حالی که بازنمایی رسانه‌ای و ادبیات دانشگاهی، معنای نقاب در اروپا را به عنوان عملی شوربرانگیز یا شکلی از هویت شخصی، سیاسی و مذهبی معرفی می‌کند، اما یافته‌های تحقیق آن‌ها از مصاحبه‌های عمیق با زنان مسلمان در غرب، معنای دیگری را متبادر می‌کند. نیمی از شرکت‌کنندگان در مطالعه، با وجود استفاده از روسری، هیچ تمایلی برای استفاده از نقاب نداشتند؛ بلکه برعکس در محیط آمریکا آن را غیر ضروری و نامناسب می‌دانستند. البته بیشتر مشارکت‌کنندگان، این حق را برای کسانی که مایل به استفاده از نقاب بودند، محترم می‌شمردند.

مسئله بدحجابی امری نیست که اثبات آن نیازمند ارائه آمار و ارقام باشد؛ بلکه فقط با نگاهی جامع و خردگرایانه، وجود آن و ضرورت مقابله با آن آشکار و مبرهن می‌شود؛ خصوصاً از جهت آثار و توابعی که بدحجابی می‌تواند در قالب ارتباط نامشروع و نامعقول دختران و پسران و سایر مفاسد و انحراف اجتماعی در برداشته باشد. این امر درباره دانشجویان دانشگاه مهم‌تر جلوه می‌کند؛ زیرا دانشجویان از قشرهای آگاه کشورند که به نوعی نقش الگو و اسوه جامعه امروزی را ایفا کرده، آینده‌سازان جامعه و خانواده و مهره‌های اصلی حرکت اجتماع به سوی پیشرفت و سعادت محسوب می‌شوند، و چه بسا بدحجابی دختران دانشگاه و نتایج مخرب و پیامدهای سوء آن بتواند دانشگاه را از رسالت اصلی خود که علم، تحقیق، تعالی و کمال است دور کند (علوی و حجتی، ۱۳۸۶). از این رو، با توجه به تأکید قرآن و احادیث بر حجاب و پوشش و مسلمان بودن اکثریت دانشجویان، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که چه عواملی با وضعیت حجاب دانشجویان رابطه دارد؟ در راستای این سؤال اصلی، سؤالات فرعی زیر مطرح می‌شود:

- آیا بین ویژگی‌های مذهبی با وضعیت حجاب دانشجویان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین ویژگی‌های اجتماعی با وضعیت حجاب دانشجویان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین ویژگی‌های خانوادگی با وضعیت حجاب دانشجویان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین نگرش‌های سیاسی با وضعیت حجاب دانشجویان رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

نوع روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی-مقایسه‌ای و تکنیک به کار رفته، مصاحبه و پرسشنامه بوده است. جامعه آماری شامل همه دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر قاین در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ است. ملاک انتخاب افراد بدحجاب: پوشیدن مانتو یا شلوار تنگ و کوتاه، دیده شدن موی سر یا قسمت‌هایی از گردن، آرایش غلیظ (فراتر از یک کرم ساده و قابل رؤیت برای همگان و از فاصله) بوده است. جهت انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده گردید. به این صورت که ابتدا تعداد ۱۲۵ نفر از دانشجویان براساس لیست امتحانات به صورت کاملاً تصادفی انتخاب و ضمن تکمیل پرسشنامه، براساس ویژگی‌های مورد اشاره به دو گروه «با حجاب کامل» و «بدحجاب» تقسیم شدند. تعداد ۵۰ نفر در گروه با حجاب کامل، ۴۰ نفر در گروه بدحجاب و ۳۵ نفر به دلیل وضعیت حجاب بینابین از نمونه حذف گردیدند. برای گردآوری اطلاعات از روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه، پرسشنامه محقق ساخته بوده است که برای ساخت آن ابتدا با ۳۰ نفر از دانشجویان (۱۵ نفر باحجاب و ۱۵ نفر بدحجاب) مصاحبه و بر مبنای اطلاعات کسب شده از آن‌ها، سؤالات اولیه پرسشنامه استخراج و در اختیار تعدادی از اعضای هیئت علمی علوم انسانی (روان‌شناسی، علوم تربیتی، الهیات و علوم اجتماعی) قرار گرفت و از نظرات آن‌ها نیز بهره برده شد. در ادامه، پرسشنامه در اختیار ۱۲ نفر از دانشجویان قرار گرفت و پس از مشخص شدن سؤالات مبهم یا نامفهوم، سؤالات اصلاح شد و پرسشنامه نهایی آماده گردید. این پرسشنامه دارای اطلاعات جمعیت‌شناختی و ۱۳۹ عبارت پنج گزینه‌ای است که از یک تا پنج به صورت مستقیم یا معکوس نمره‌گذاری می‌شود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون t دو گروه مستقل، آزمون کروسکال-والیس^۱ و آزمون مجذور کا توسط نرم افزار spss انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

۱. رابطه ویژگی‌های مذهبی با وضعیت حجاب دانشجویان

جهت بررسی این رابطه از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شده است که نتایج در جدول شماره ۱، نشان داده شده است.

1. Kruskal -Wallis

متغیر مستقل	گروه	میانگین	F	Sig	T	Df	(tailed-۲)Sig
رفتار مذهبی فرد	باحجاب	۲۵/۷۸۰	۱۲/۴۸۹	۰/۰۰۱	۴/۷۸۸	۸۸	۰/۰۰۰۱
	بدحجاب	۲۱/۹۰۰			۴/۵۱۷	۶۲/۰۹۳	۰/۰۰۰۱
رفتار مذهبی خانواده فرد	باحجاب	۲۵/۷۰	۳/۹۶۰	۰/۰۵۰	۴/۵۴۰	۸۸	۰/۰۰۰۱
	بدحجاب	۲۱/۹۵۰			۴/۳۸۱	۶۸/۶۷۱	۰/۰۰۰۱
آگاهی از احکام و فلسفه حجاب	باحجاب	۵۳/۵۴۰	۱/۹۱۴	۰/۱۷۰	۴/۰۸۷	۸۷	۰/۰۰۰۱
	بدحجاب	۴۶/۳۳			۴/۲۳۶	۸۶/۸۴۷	۰/۰۰۰۱

جدول شماره ۱: آزمون t دوگروه مستقل جهت بررسی رابطه ویژگی‌های مذهبی با وضعیت حجاب

براساس جدول شماره ۱، می‌توان گفت: بین رفتار مذهبی فرد و خانواده وی و آگاهی از احکام و فلسفه حجاب با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد.

متغیر مستقل	گروه	میانگین	F	Sig	T	Df	(tailed-۲)Sig
رضایت از مدل‌های لباس موجود در بازار	باحجاب	۲۲/۲۶۰	۰/۰۰۵	۰/۹۴۱	۰/۹۶۰	۸۸	۰/۳۴۰
	بدحجاب	۲۱/۲۵۰			۰/۹۶۰	۸۳/۷۵۵	۰/۳۴۰
نامناسب بودن مدل چادر	باحجاب	۴/۰۲	۰/۰۷۳	۰/۷۸۷	-۶/۹۹۵	۸۸	۰/۰۰۰۱
	بدحجاب	۶/۸۵۰			-۶/۹۹۹	۸۳/۸۸۶	۰/۰۰۰۱
توان خرید	باحجاب	۴/۱۰۰	۴/۱۸۹	۰/۰۴۴	۱/۴۴۳	۸۸	۰/۱۵۳
	بدحجاب	۳/۸۶۲			۱/۴۱۰	۷۴/۴۷۸	۰/۱۶۳
باورهای اجتماعی راجع به حجاب	باحجاب	۴۸/۳۶۰	۰/۶۶۸	۰/۴۱۶	۴/۵۹۵	۸۷	۰/۰۰۰۱
	بدحجاب	۴۲/۷۱۷			۴/۶۸۱	۸۶/۰۹۴	۰/۰۰۰۱
مدگرایی	باحجاب	۱۶/۷۶۰	۱/۴۲۴	۰/۲۳۶	-۳/۱۸۷	۸۸	۰/۰۰۲
	بدحجاب	۱۹/۷۷۵			-۳/۱۴۴	۷۸/۶۷۷	۰/۰۰۲
خودنمایی و میزان اهمیت به جلب توجه دیگران	باحجاب	۳۶/۵۵۱	۱۳/۰۴۷	۰/۰۰۱	-۲/۰۲۷	۸۷	۰/۰۴۶
	بدحجاب	۴۰/۳۲۵			-۱/۹۴۳	۶۴/۱۱۵	۰/۰۵۶
میزان تماشای شبکه‌های تلویزیون ایران	باحجاب	۱۶۴/۸۲۰	۰/۳۱۴	۰/۵۷۷	-۰/۳۷۳	۸۸	۰/۷۱۰
	بدحجاب	۱۷۹/۲۵۰			-۰/۳۶۷	۷۶/۶۱۳	۰/۷۱۵
میزان تماشای شبکه‌های ماهواره خارجی	باحجاب	۱۳/۲۰۰	۴۴/۳۵۲	۰/۰۰۰۱	-۴/۱۸۰	۸۸	۰/۰۰۰۱
	بدحجاب	۱۲۶/۸۷			-۳/۸۲۵	۴۶/۴۹۷	۰/۰۰۰۱
میزان استفاده از اینترنت	باحجاب	۷۰/۵۲۰	۵/۵۰۰	۰/۰۲۱	-۱/۵۴۰	۸۸	۰/۱۲۷
	بدحجاب	۱۸۱/۰۰۰			-۱/۳۹۸	۴۳/۷۷۱	۰/۱۶۹

جدول شماره ۲: آزمون t دوگروه مستقل جهت بررسی رابطه ویژگی‌های اجتماعی با وضعیت حجاب

۲. رابطه ویژگی‌های اجتماعی با وضعیت حجاب دانشجویان

جهت بررسی این رابطه از آزمون t دو گروه مستقل و مجذور کا استفاده شده است که نتایج در جداول ۲ و ۳ نشان داده شده است.

Sig	Df	Value	
۰/۰۰۰۱	۱	۱۸/۲۲۵ ۹۰	مجذور کا تعداد

جدول شماره ۳: آزمون مجذور کا جهت بررسی رابطه داشتن ماهواره در خانه با وضعیت حجاب

مطابق اطلاعات جداول شماره ۲ و ۳، می‌توان گفت: بین نامناسب بودن مدل چادر، مدگرایی، باورهای اجتماعی راجع به حجاب، میزان تماشای شبکه‌های ماهواره خارجی و داشتن ماهواره در خانه با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد. همچنین بین رضایت از مدل‌های لباس موجود در بازار، توان خرید، خودنمایی و میزان اهمیت به جلب توجه دیگران، میزان تماشای شبکه‌های تلویزیون ایران و میزان استفاده از اینترنت با وضعیت حجاب رابطه وجود ندارد.

۳. رابطه ویژگی‌های خانوادگی با وضعیت حجاب دانشجویان

جهت بررسی این رابطه از آزمون t دو گروه مستقل، کروسکال - وایس و مجذور کا استفاده شده است که نتایج در جداول ۴، ۵ و ۶ نشان داده شده است.

متغیر مستقل	گروه	میانگین	F	Sig	T	Df	Sig (۲-tailed)
تفاهم والدین	باحجاب	۳۰/۳۰۰	۰/۵۲۶	۰/۴۷۰	۱/۴۵۷	۸۷	۰/۱۴۹
	بدحجاب	۲۸/۷۹					
سخت‌گیری والدین	باحجاب	۲۸/۶۸۰	۰/۴۰۸	۰/۵۲۴	۰/۶۳۹	۸۸	۰/۰۹۰
	بدحجاب	۳۱/۶۲۵					
تبعیض مبتنی بر جنسیت فرزندان در خانواده (ترجیح پسر بر دختر)	باحجاب	۹/۱۸	۰/۲۷۵	۰/۶۰۱	۰/۶۷۵	۸۷	۰/۵۰۲
	بدحجاب	۸/۸۲					
پذیرش فرد توسط اعضای خانواده	باحجاب	۸/۲۰۰	۰/۴۲۳	۰/۵۱۷	۱/۰۰۷	۸۸	/۳۱۷
	بدحجاب	۷/۸۰۰					
حجاب مادر	باحجاب	۱۳/۳۶۰	۶/۱۰۰	۰/۰۱۵	۱/۳۰۲	۸۸	۰/۱۹۶
	بدحجاب	۱۲/۷۵۰					

جدول شماره ۴: آزمون t دو گروه مستقل جهت بررسی رابطه ویژگی‌های خانوادگی با وضعیت حجاب

متغیر مستقل	Chi-square	Df	Sig
تحصیلات پدر	۶/۷۴۰	۶	۰/۳۴۶
تحصیلات مادر	۱۷/۹۷۶	۵	۰/۰۰۳
تعداد خواهر	۶/۴۸۰	۶	۰/۳۷۲
تعداد برادر	۱۳/۶۰۲	۶	۰/۰۳۴
میزان درآمد خانواده	۵/۳۷۵	۴	۰/۲۵۱
محل سکونت والدین	۱۷/۶۰۰	۳	۰/۰۰۱

جدول شماره ۵: آزمون کروسکال - والیس جهت بررسی رابطه ویژگی‌های خانوادگی با وضعیت حجاب

	Value	Df	Sig
مجذور کا تعداد	۰/۰۳۷ ۹۰	۱	۰/۸۴۸

جدول شماره ۶: مجذور کا جهت بررسی رابطه وضعیت تأهل با وضعیت حجاب

بر مبنای جداول شماره ۴، ۵ و ۶، می‌توان گفت: بین تحصیلات مادر، تعداد برادر و محل سکونت والدین با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد و بین تفاهم والدین، سخت‌گیری والدین، تبعیض مبتنی بر جنسیت فرزندان در خانواده (ترجیح پسر بر دختر)، پذیرش فرد توسط اعضای خانواده، حجاب مادر، تحصیلات پدر، تعداد خواهر، میزان درآمد خانواده و وضعیت تأهل با وضعیت حجاب رابطه وجود ندارد.

۴. رابطه نگرش‌های سیاسی با وضعیت حجاب دانشجویان

نگرش‌های سیاسی فرد بر اساس میزان موافق بودن با نظام جمهوری اسلامی ایران سنجیده شده است که یافته‌ها بر اساس آزمون t، تحلیل و نتایج در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

متغیر مستقل	گروه	میانگین	F	Sig	T	Df	(tailed-2) Sig
نگرش های سیاسی فرد	باحجاب	۱۴/۷۸۰	۰/۰۰۱	۰/۹۷۵	۳/۶۶۹	۸۷	۰/۰۰۰۱
	بدحجاب	۱۲/۴۸۷			۳/۶۴۶	۷۹/۷۳۱	۰/۰۰۰۱

جدول شماره ۷: آزمون t دو گروه مستقل جهت بررسی رابطه نگرش های سیاسی با وضعیت حجاب

مطابق اطلاعات جدول شماره ۷، می توان گفت: بین نگرش های سیاسی فرد با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین تعداد خواهر، سطح تحصیلات پدر، میزان درآمد خانواده، وضعیت تأهل، خودنمایی، میزان استفاده از اینترنت و تماشای شبکه تلویزیون ایرانی، ویژگی های خانوادگی (تفاهم والدین، سخت گیری والدین، تبعیض مبتنی بر جنسیت فرزندان در خانواده (ترجیح پسر بر دختر)، پذیرش فرد توسط اعضای خانواده و حجاب مادر)، رضایت از مدل های لباس موجود در بازار و توان خرید با وضعیت حجاب رابطه وجود ندارد؛ اما بین تعداد برادر، سطح تحصیلات مادر، محل سکونت والدین، آگاهی از احکام و فلسفه حجاب، رفتار مذهبی فرد و خانواده، مدگرایی، نامناسب بودن مدل چادر، نگرش سیاسی، میزان تماشای شبکه های ماهواره خارجی و داشتن ماهواره در خانه با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد. همچنین بین باورهای اجتماعی درباره حجاب در افراد باحجاب - بدحجاب تفاوت وجود دارد.

یافته ها بیانگر آن است که بین تحصیلات پدر، تعداد خواهر، درآمد خانواده، وضعیت تأهل و تعداد با وضعیت حجاب رابطه وجود ندارد. در پژوهش های علوی و حجتی (۱۳۸۶) و رجالی و همکاران (۱۳۹۱) نیز بین وضعیت تأهل و تعداد واحد گذرانده با وضعیت حجاب رابطه معناداری مشاهده نشده است. در پژوهش علوی و حجتی (۱۳۸۶) هم بین درآمد خانواده با وضعیت حجاب رابطه معناداری به دست نیامده است.

همچنین نتایج نشانگر آن است که بین تحصیلات مادر، تعداد برادر و محل سکونت والدین با وضعیت حجاب رابطه معناداری وجود دارد. یافته های پژوهش سیاح ورگ و همکاران (۱۳۹۲) نیز بیان می کند که بین میزان تحصیلات مادر با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد؛ به طوری که

درصد تحصیلات مادر در افراد بدحجاب بیشتر از افراد باحجاب است. به عبارت دیگر، دانشجویانی که مادرانشان تحصیلات بالاتری دارند، از حجاب ضعیف تری برخوردارند.

همچنین بین آگاهی از احکام و فلسفه حجاب با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد. ناآشنایی تعدادی از خانواده‌های مسلمان با احکام و حدود حجاب و پوشش اسلامی و محرم و نامحرم و بی‌دقتی آن‌ها در این مسئله و نیز بی‌خبری از اهمیت و ضرورت حجاب و مضرات بی‌حجابی و غیره، یکی از علل بروز پدیده بدحجابی و ابتذال در پوشش است. بدون تردید، بین آگاهی و اعتقاد بیشتر و عمیق‌تر زنان نسبت به فواید حجاب و پوشش و نیز رعایت بیشتر حجاب توسط آن‌ها، رابطه مستقیمی وجود دارد. نمونه بارز آن را در حجاب فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر زنان اهل بیت علیهم السلام و اصرار آنان بر حفظ حجاب در شرایط سخت اسارت و اعتراض‌های افشاگرانی آن‌ها در مقابل هتاک‌های مخالفان اهل بیت علیهم السلام می‌توان مشاهده نمود. نقش آگاهی زنان نسبت به فواید و فلسفه حجاب، در مقابله با نقشه‌های حجاب‌زدایی استعمارگران در مبارزه مردم الجزایر با دولت استعمارگر فرانسه و نیز مقاومت دانشجویان دختر محجبه در مقابل مقررات ضد حجاب حکومت لائیک ترکیه قابل توجه است. جلوه دیگر تأثیر آگاهی زنان در بی‌حجابی، قیام زنان آگاه ایرانی در مقابل کشف حجاب رضا خان است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱).

غلامی (۱۳۸۶؛ به نقل از رشیدی و همکاران، ۱۳۹۴) در کتاب/خلاق و رفتارهای جنسی، نظرسنجی و تحقیق هشت ساله خود را ارائه می‌دهد و اساسی‌ترین علت پدیده کم‌توجهی دختران و زنان بدحجاب را ناآگاهی آنان می‌داند. برخی از نتایج نظرسنجی وی عبارت است از:

الف. در میان بانوان بی‌اعتنا به حجاب برخی دختران از خانواده‌های مذهبی بودند که خانواده ایشان در توجیه و تربیت آنان موفق نبوده‌اند.

ب. عده‌ای از دختران و زنان، پوشش ناکامل خود را کافی می‌دانستند.

ج. به اظهار عده‌ای دیگر، مراعات پوشش اسلامی مانع فعالیت‌های اجتماعی است.

د. بعضی با اعتقاد به لزوم پوشش بهتر اعتراف می‌کردند که برای این کار باید ایمان قوی داشت که آنان از ایمان قوی بی‌بهره‌اند.

و. گروهی حجاب را در زندگی خود عامل خوشبختی و موفقیت یا پیشرفت نمی‌دانند و نقش آن را خنثی می‌پنداشتند. نزد این عده نه فقط حجاب، بلکه بیشتر امور اخلاقی عامل خوشبختی و پیشرفت نیست.

انتخاب برای داشتن یا نداشتن حجاب از سوی زنان نیازمند این درک است که آن‌ها نقش پراهمیت خود را برای رویارویی با چالش‌ها و تغییرات پر فشار عصر حاضر در بستر خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی بشناسد. می‌توان بیان کرد افرادی که تمایل بیشتری به غرب‌گرایی دارند، با سرعت بیشتری به تغییرات اجتماعی پاسخ می‌دهند، به سبک پوشش مد روز تمایل دارند و ارزش و اهمیت کمتری به ارزش‌ها و سنت‌ها می‌دهند. این قبیل افراد در خصوص پوشش ثبات و پایداری کمتری را نشان می‌دهند و طبق مد روز به انتخاب نوع پوشش خود دست می‌زنند (خدادادی سنگده و احمدی، ۱۳۹۴).

نتایج پژوهش نشان داد بین رفتار مذهبی فرد و خانواده وی با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان اعتقادات دینی، به میزان قابل توجهی بر گرایش به حجاب افزوده می‌شود. در تحقیقی که با هدف گرایش به حجاب و برداشت آن در بین دانشجویان دانشگاه تهران انجام شده، یافته‌ها بیانگر آن است که با افزایش و تقویت ارزش‌های دینی در افراد، تمایل به حجاب نیز در بین آن‌ها افزایش می‌یابد. همچنین دانشجویانی که اعتقادات مذهبی والدینشان زیاد بوده است، نسبت به رعایت پوشش اسلامی تمایل بیشتری دارند. از نظر کاستلز (۲۰۰۱): به نقل از مولایی و یوسف وند، (۱۳۹۳) دین به عنوان مهم‌ترین منبع هویت ساز در جامعه شبکه‌ای و به عنوان منبع هویت، به طور اعجاب‌آوری نیرومند و اثرگذار جلوه می‌کند. به نظر می‌رسد که اگر بخواهیم گرایش‌های مخالف پوشش و حجاب را کاهش داده، تمایل به حجاب را در بین دختران و زنان تقویت کنیم، لازم است کار فرهنگی مستمر انجام داده و مفاهیمی دیگر که برگرفته از فرهنگ ملی و مذهبی ما است، به طور ظریف در جامعه گسترش دهیم. اعتقادات دینی و اسلامی در این میان می‌تواند سهم زیادی برعهده گیرد.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین میزان تماشای شبکه‌های تلویزیون ایران و میزان استفاده از اینترنت با وضعیت حجاب رابطه وجود ندارد. اما بین میزان تماشای شبکه‌های ماهواره خارجی و داشتن ماهواره در خانه با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد.

برلسون^۱ و جانسون ویتس^۲ درباره تأثیرات وسایل ارتباط جمعی می‌نویسد: اثرگذاری وسایل

2. Jan witz

ارتباط جمعی بسیار گوناگون است. این آثار ممکن است در درازمدت یا کوتاه مدت بروز کند. حتی ممکن است قوی یا ضعیف باشد. این اثرات ممکن است از جنبه‌های گوناگونی که در محتوای ارتباطات وجود دارد، نشأت گیرد، یا ممکن است روانی، سیاسی، اقتصادی باشد. همچنین احتمال دارد بر روی عقاید، ارزش‌ها، مهارت‌ها، سلیقه‌ها و رفتارهای ظاهری تأثیر بگذارد (افشانی و زارعان، ۱۳۹۳).

امروز رسانه‌های غرب درصددند نوع جدیدی از زندگی را در جامعه رواج دهند که شاید بتوان شاخص حرکت این پویش اجتماعی را در مسئله پوشش کندوکاو کرد. گسترش مدرنیته در جوامع و به دنبال آن، رواج ماهواره‌ها به عنوان نماد رسانه‌ای جامعه مدرن، جایگاه خاصی در میان سایر رسانه‌ها پیدا کرده‌اند. ماهواره که محصول جامعه مدرن است، امروزه گستره وسیعی از جهان را تحت سلطه قرار داده است و هم اکنون رد پای ماهواره‌ها، حتی در میان عشایر و چادرنشینان کشور ما نیز به چشم می‌خورد. وجود ماهواره‌ها در منازل پیامدهای بسیاری را در پی دارد که قسمتی از این پیامدها به آسیب‌های اجتماعی این پدیده در سطح جامعه مربوط است. البته بخش عمده‌ای از اهداف شبکه‌های ماهواره‌ای را جوانان تشکیل می‌دهند و همین قشر نیز به دلایل متعدد، تأثیرپذیری بسیار بیشتری از برنامه‌های این شبکه‌ها دارند. جوانان که سرشار از هیجان هستند، با نظاره انواع مدهای پوشش و آرایش شخصیت‌های این نوع برنامه‌ها، تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند و حتی بعضاً ناخودآگاه به دنبال پیگیری این نوع از رفتارهای اجتماعی سوق پیدا می‌کنند.

از طرف دیگر، بین مدگرایی با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد و میانگین مدگرایی در افراد بدحجاب بیشتر از افراد باحجاب است. گرچه مدگرایی در نیازهای طبیعی جوانان ریشه دارد و برخاسته از روحیه نوگرایی جوانان است، اما به لحاظ آنکه مدها و مدل‌ها نمایانگر علایق و ارزش‌های مسلط یک زمان و یک قشر خاص‌اند و افزون بر آن، می‌بینیم که امروزه جوانان از مدل‌های مختلف پیروی می‌کنند و ناخواسته به هنجارهایی رو می‌آورند که چه بسا با فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی ما در تضاد است؛ پس می‌توان گفت که مدگرایی در جامعه ما تا حدود زیادی کارکرد منفی به خود گرفته است و پیامدهای آن به شدت، جوانان را تهدید می‌کند. همراه کالای مد شده، شیوه‌های رفتاری هنجاری و ارزش‌های خاصی در بین جوانان رونق و شیوع می‌یابد و مد عاملی برای انتقال هنجار و ارزش‌های جامعه‌ای به جامعه دیگر می‌شود. لذا بررسی زمینه‌ها و پیامدها و آسیب‌شناختی مدگرایی، یکی از موضوعات مهم در جامعه ما است. گذشته از میل به

زیبایی و برتر بودن، مسئله مهم دیگری که در بین دانشجویان بسیار پررنگ است و باعث گرایش آنان به چنین مسائلی می‌شود، تهی بودن جوانان امروز از فرهنگ و اندیشه بومی و اعتقادی است. توجه به گونه‌های مختلف مد که در قالب‌های گوناگون رشد می‌یابد، ضرورت تأمل جدی به این مسئله را فراروی متولیان جامعه قرار می‌دهد (مام‌الهی و علمی، ۱۳۹۳).

نتایج پژوهش نشانگر آن است که بین میزان استفاده از ماهواره و مدگرایی با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد؛ به این معنا که هر چقدر مدگرایی و استفاده از ماهواره در فرد بیشتر باشد، به همان میزان احتمال کشیده شدن به سمت آسیب بدحجابی بیشتر است و بالعکس. این یافته با نتایج پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۹)، رجبی (۱۳۸۹)، آقاچاووشی و همکاران (۱۳۸۹) و فتحی آشتیانی و همکاران (۱۳۸۵) هم‌خوان است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که دنیای امروز با همه گستردگی خود دهکده جهانی نامیده می‌شود و رشد رسانه‌های نوین و فضای مجازی و سرعت انتقال به گونه‌ای است که گویا مرزهای زمانی و مکانی را در نوردیده و سبب تداخل فرهنگ‌ها و تعامل انسان‌ها شده است. رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند ابزار مناسبی بین افراد باشند؛ مشروط بر اینکه کاربران آن‌ها مصونیت کافی داشته باشند. استفاده نادرست از فضای مجازی و رسانه‌های ارتباط جمعی باعث افول سرمایه‌های اجتماعی است و مانع توجه افراد به هنجارهای مطلوب اجتماعی واقعی می‌شود. این آسیب‌پذیری در حوزه‌های مختلف مانند مدگرایی، گرایش به غرب، تمایل به دوستی با جنس مخالف، ضعف اعتقادات و ارزش‌های اسلامی و گرایش به رسانه‌ها و شبکه‌های خارجی، سایت‌های غیرمجاز و فیلم‌های مبتذل خود را نشان داده است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین نگرش‌های سیاسی با وضعیت حجاب رابطه وجود دارد که میانگین نگرش‌های سیاسی در افراد باحجاب بیشتر از افراد بدحجاب است؛ یعنی میزان توافق افراد باحجاب با نظام حاکم جمهوری اسلامی ایران بیشتر است.

سیاسی شدن موضوع حجاب از نظر دانشجویان، یکی از عوامل مؤثر بر کاهش گرایش بر پوشش مناسب است (کرم‌اللهی و آقاسی، ۱۳۹۱). گاهی اوقات بدحجابی و خودآرایی و مراعات نکردن پوشیدگی، یک نوع حرکت نمادین برای ابراز بی‌اعتقادی و اعتراض به حاکمیت و عملکرد دولتمردان است. اگر الگو و زمینه‌های سالمی برای اعلام انتقاد و ابراز اعتراض وجود داشت، آن وقت دیگر چرا آن زن و دختر، برای اینکه انتقاد خود را نسبت به عملکردهای غلط و نادرست ابراز کند، مجبور شود

به خودآرایی و بدحجابی و این طور دهن کجی کردن به هنجارها و ارزش های اسلامی روی آورد؟
(طیب، ۱۳۹۰)

از طرف دیگر، بین باورهای اجتماعی درباره حجاب در افراد باحجاب و بدحجاب تفاوت وجود دارد. میانگین افراد باحجاب بیشتر از افراد بدحجاب است؛ یعنی باورهای فرد نسبت به کارکردهای اجتماعی حجاب (نشان دادن وضعیت اقتصادی، تحصیلی و غیره) در افراد باحجاب بیشتر از افراد بدحجاب است.

یک شخص باحجاب، چنانکه به پوشش اعتقاد داشته باشد، لازم است که در برخوردهای اجتماعی و ارتباطات، به شیوه اثباتی عمل کند؛ یعنی بتواند در صورت لزوم یا زمانی که از او پرسش می شود، دلایل باحجاب بودنش را با استفاده از واژه ها یا حرکات، یا شیوه ای مستدل و صادقانه و متناسب توضیح دهد. همچنین تلاش کند احساسات، افکار و نگرش های فرد مقابل را بشناسد و در صورت لزوم با روش خود او، از عقاید و باورهایش در علل انتخاب پوشش مناسب استفاده کند. این موضوع شامل دو نوع احترام است: احترام به خود با تشریح اعتقادات و حقوق مان و نیز احترام به حقوق و هنجارهای پذیرفته شده جامعه. اگر از دلایل باحجاب بودنمان شناخت نداشته باشیم، در ارتباطات اجتماعی نمی توانیم احساسات، افکار و نگرش هایمان را به شیوه های روشن و واضح بیان کنیم، یا در مواقعی که ممکن است در معرض گناه قرار گیریم، از لغزش ها مصون بمانیم. این نداشتن شناخت به دیگران امکان می دهد تا به باورهای اسلامی و نوع پوشش ما احترام نگذارند. در واقع، ما به دیگران پیام می دهیم که عقاید و باورهای من مهم نیست و تو می توانی از من سوء استفاده کنی و باورهای خود را به من بقبولانی! در بعضی اوقات نیز، رفتار افراد در برابر حجاب و پوشش اسلامی منفعلانه است. در این گونه رفتار، دختران ما خود به نیازهای مصونیت بخش و هدایت کننده دین، حقوق دینی و احساساتشان احترام نمی گذارند و در مقابل دیگران از حقوق دینی و نیاز به مصونیت صرف نظر می کنند و برای باورداشت های اسلامی شان اهمیتی قائل نمی شوند و به دیگران اجازه می دهند که به جایشان انتخاب کنند. این گروه همه عقاید مربوط به دیگران را قبول می کنند، بدون آنکه چیزی برای خودشان بخواهند. با چنین رفتاری به سختی می توان ابتکار عمل را در ارتباطات اجتماعی به دست گرفت؛ در حالی که از طریق التزام به مبانی دین و احترام به باورها و عقاید اسلامی، می توانند به آرامش روانی دست یابند و در برابر کج روی ها، روابط نامشروع و زیان بخش بایستند.

با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر، تقویت میزان آگاهی دانشجویان درباره حجاب، تقویت اعتقادات مذهبی دانشجویان در مدت حضور دانشجو در دانشگاه، جلوگیری از تأثیر عوامل محیطی نظیر مد و مدگرایی بر اعتقادات دانشجویان، تشویق دانشجویان برای شرکت در مراسم مذهبی به خصوص نماز، از مسائلی است که دانشگاه باید به آن توجه کند.



فهرست منابع

۱. احمدی، خدابخش؛ زهرا، بیگدلی؛ آزاده، مرادی و فتح الله، میراسماعیلی (۱۳۸۹)، «رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی»، *مجله علوم رفتاری*، دوره ۴، ش ۲، ص ۹۷-۱۰۲.
۲. احمدی، عزت الله؛ صمد، عدلی پور و سید احمد، میرمحمد تبار دیوکلاپی (۱۳۹۳)، «نهاد خانواده، سبک زندگی و گرایش به حجاب»، *فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره اول، ش ۳، ص ۱۵۱-۱۷۵.
۳. اخلاقی، کبری (۱۳۹۳)، «نقش پدیده بدحجابی در کاهش امنیت اجتماعی زنان»، *فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت*، سال هفتم، ش ۱، ص ۱۲۷-۱۶۵.
۴. افشانی، سید علیرضا و احمد، زارعان (۱۳۹۳)، «نقش رسانه ها در گسترش و تعمق فرهنگ عفاف و حجاب و تأثیر آن بر امنیت فردی و اجتماعی»، *فصلنامه دانش اجتماعی خراسان شمالی*، سال اول، ش ۳، ص ۴۱-۶۲.
۵. آقاچاووشی، اکبر؛ داوود، طالبیان؛ مهدی، حبیبی؛ وحیده، دهاقین و سمیه سادات، انوری (۱۳۸۹)، «دیدگاه جوانان و میان سالان در مورد حجاب برتر»، *مجله علوم رفتاری*، دوره چهارم، ش ۱، ص ۷۷-۸۱.
۶. بهرام زاده، محمدمهدی و ایمان، لطفی (۱۳۸۹)، «نقش حجاب در جامعه شناسی علل رواج بدحجابی در بین جوانان»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، ش ۵، ص ۱۰۹-۱۲۳.
۷. خدادادی سنگده، جواد و خدابخش، احمدی (۱۳۹۴)، «نقش عوامل فرهنگی و رسانه ای در پیش بینی حجاب زنان، مطالعه ای ملی»، *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، سال دهم، ش ۳۳، ص ۷-۲۱.
۸. خوش فر، غلامرضا؛ فاطمه، باقری؛ سمیه، برزگر و لیلا، نورمحمدی (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راهکارهای ارتقای آن (مطالعه موردی: شهروندان شهر گرگان)»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، دوره سوم، ش ۴، ص ۴۷-۷۳.
۹. رجالی، مهری؛ مهناز، مستآجران و مهران، لطفی (۱۳۹۱)، «نگرش دانشجویان دختر دانشکده بهداشت علوم پزشکی نسبت به پوشش زنان و برخی عوامل مؤثر آن»، *مجله تحقیقات نظام سلامت*، سال دهم، ش ۸، ص ۴۲۴-۴۳۰.
۱۰. رجبی، سوران (۱۳۸۹)، «بررسی میزان رعایت حجاب برتر و تأثیر آن بر شادکامی»، *دوفصلنامه علمی-ترویجی بانوان شیعه*، ش ۲۵.
۱۱. رستگار خالد، امیر؛ میثم، محمدی و سحر، نقی پور ایوکی (۱۳۹۱)، «کنش های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، سال چهاردهم، ش ۵۶، ص ۸-۸۲.
۱۲. رشیدی، علیرضا؛ عزت الله، زیبری؛ بهزاد، علیزمانی؛ کسری، شریفی و طیب، نقشین (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر بر حجاب گریزی»، *دانش انتظامی کرمانشاه*، سال ششم، ش ۲۱، ص ۳۹-۵۱.
۱۳. سیاح ورگ، محمد؛ مهناز، امیرپور و عفت، وحیدی مطلق (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر عفاف و حجاب دختران مقطع متوسطه (مطالعه موردی: استان خراسان شمالی)»، *فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۳۷-۱۵۲.
۱۴. طیب، مهدی (۱۳۹۰)، *حجاب و حقوق زن در ترازوی اندیشه و ایمان*، تهران: نشر سفینه.

۱۵. علوی، سید حمیدرضا و رضیه، حجتی (۱۳۸۶)، «عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران شهید باهنر کرمان»، تربیت اسلامی، سال دوم، ش ۴، ص ۶۳-۸۸.
۱۶. فتحی آشتیانی، علی؛ داوود، طالبیان؛ روح الله، قاضی؛ اکبر، آقایانی چاووشی؛ وحیده، دهاقین و مهدی، حبیبی (۱۳۸۵)، بررسی دیدگاه‌ها و مشکلات موجود در اجرای حجاب برتر و ارائه راهکارهایی به منظور بهبود وضع موجود، طرح تحقیقاتی مرکز علوم رفتاری، تهران: دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج).
۱۷. کرم اللهی، نعمت الله و محمد، آقاسی (۱۳۹۱)، «بررسی گرایش دختران دانشجو به حجاب و بدحجابی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، ش ۲، ص ۱۳۹-۱۷۲.
۱۸. مام الهی، بیانه و محمود، علمی (۱۳۹۲)، «تعیین عوامل اجتماعی مرتبط با مدگرایی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۷-۲۵.
۱۹. مولایی، جابر و شهلا، یوسف‌وند (۱۳۹۳)، «بررسی جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور آبدانان)»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، ش ۳، ص ۳۵-۶۴.
۲۰. مهدی زاده، حسین (۱۳۸۱)، حجاب‌شناسی (چالش‌ها و کاوش‌های جدید)، قم: مرکز حوزه علمیه قم.